

اخلاق عملی در سیره رضوی

اخلاق یکی از جنبه های رفتاری و گفتاری آدمی بوده و در اجتماع انسان ساز بشری حائز اهمیت است. روایات فراوانی که از طریق اهل بیت علیهم السلام پیرامون دعوت به رعایت اخلاق نقل شده است، خود حاکی از اهمیت این مقوله مهم می باشد. رفتار و گفتار هر کسی با مردم و کسانی که در اطراف او هستند، حکایت از تربیت صحیح دینی بوده هر چند ممکن است در پاره ای از زمان ها، رفتار و تربیت اسلامی در فرد بروز و نمود نداشته باشد اما چون جوهره اصلی خوش اخلاقی و مناعت طبع در نهان او نهفته است، باز هم دارایی اثر می باشد. به دور بودن از فضایی مناسب رشد و تربیت صحیح، می تواند در جامعه اسلامی خطر آفرین بوده و سلامت امت اسلامی را تهدید کند. مطالعه سیره و آموزه های رفتاری و گفتاری اهل بیت علیهم السلام راهگشای جامعه پر ملتهب امروزی بوده و در راستای تحقق مسیر صحیح اسلام ناب محمدی تاثیر مهمی دارد. در این نوشته، به نحو اختصار آموزه هایی از سیره عملی امام رضا سلام الله علیه در برخورد با دیگران و جامعه آن روز بیان خواهد شد.

امامی بی مانند

ابراهیم بن عباس، از مشایخ ابراهیم بن هاشم جعفری از اعیان امامیه که امام رضا علیه السلام را

ملاقات کرده بود، پیرامون ویژگی های اخلاقی آن حضرت چنین بیان کرده است:

و فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْعَبَّاسِ أَنَّهُ قَالَ: مَا رَأَيْتُ وَ لَا سَمِعْتُ بِأَحَدٍ أَفْضَلَ مِنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا وَ شَاهَدْتُ مِنْهُ مَا لَمْ أَشَاهِدْ مِنْ أَحَدٍ وَ مَا رَأَيْتُهُ جَفَا أَحَدًا بِكَلَامِهِ وَ لَا رَأَيْتُهُ قَطَعَ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ وَ مَا رَدَّ أَحَدًا عَنْ حَاجَةٍ يَفْدِرُ عَلَيْهَا وَ لَا مَدَّ رِجْلِيهِ بَيْنَ يَدَيِ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَ لَا رَأَيْتُهُ يَشْتِمُ أَحَدًا مِنْ مَوَالِيهِ وَ مَمَالِيكِهِ وَ مَا رَأَيْتُهُ تَفَلَّ وَ لَا رَأَيْتُهُ يَقْهَقُهُ فِي ضَحِكِهِ بَلْ كَانَ ضَحِكُهُ التَّبَسُّمَ وَ كَانَ إِذَا خَلَا وَ نُصِبَتْ مَائِدَتُهُ

أَجْلَسَ عَلَى مَا بَدَتْهُ مَوَالِيَهُ وَ مَمَالِيكُهُ حَتَّى الْبُؤَابِ وَ السَّائِسِ وَ كَانَ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ السَّهْرِ يُحْيِي أَكْثَرَ لَيَالِيهِ
مِنْ أُولَاهَا إِلَى الصُّبْحِ وَ كَانَ كَثِيرَ الصُّوْمِ وَ لَا يَفُوتُهُ صِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي السَّهْرِ وَ يَقُولُ ذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ وَ كَانَ كَثِيرَ
الْمَعْرُوفِ وَ الصَّدَقَةِ فِي السَّرِّ وَ أَكْثَرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيَالِي الْمُظْلِمَةِ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ رَأَى مِثْلَهُ فِي فَضْلِهِ فَلَا
تُصَدِّقُوهُ.

الطبرسي، أبي علي الفضل بن الحسن _ المتوفى ٥٤٨ ق_، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ٢، ص ٦٣، تحقیق و

نشر: تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ .

ابراهیم بن عباس می گوید: کسی را ندیدم، و نشنیدم فردی را که برتر از ابی الحسن [امام] رضا علیه السلام باشد. مسائلی را از ایشان دیدم که از کسی ندیدم. هیچ وقت ندیدم که با سخنش، به کسی جفا کند و ندیدم سخن کسی را قطع کند جز آنکه سخن او تمام شود و هر کسی که خواسته ای داشت، تا حد توانش حاجت او را بر آورده می ساخت، هیچ وقت پایش را به نزد کسی دراز نمی کرد و هیچ وقت ندیدم که به غلامان و فرمانروایان نا سزا بگوید، هیچ وقت ندیدم که آب دهان بیاندازد و هیچ وقت ندیدم در خندیدن قهقهه بزند و خنده او، تبسم بود و هنگامی که تنها بود و برای ایشان سفره غذا آماده می شد، علامان و فرمانروایان و دربانان و خدمتکاران را بر سفره اش می نشستند، ایشان شب ها کم می خوابید و بسیار شب زنده دار بود، بیشتر شب ها را از شب تا صبح بیدار بود و بسیار روزه می گرفت و روزه ی سه روز در ماهش را از دست نمی داد و می فرمود: این روزه یک عمر است. او به خوبی زیاد معروف و در خفا صدقه می داد و اکثر این کارهایش در شب های تاریک صورت می گرفت و اگر کسی گمان کند که در برتری کسی به مانند اوست، سخنش را تصدیق نکنید.

برخورد امام در حمام

زمانی که وجود مقدس امام رضا سلام الله علیه در خراسان بودند، روزی به حمامی رفتند و در آن هنگام، سربازی در آنجا بود که از امام خواست بر سر و روی او آبی بریزد که متوجه شخصیت امام نبود چنان چه شبلیجی از علمای شافعی مذهب تفصیل ماجرا را چنین بیان کرده است:

إنه احتاج إلى الحمام فكره أن يأمر أحداً بتهيئته له، ومضى إلى حمام في البلد لم يكن صاحبه يظن أن ولي العهد يأتي إلى الحمام في السوق فيشغل فيه، وإنما حمامات الملوك في قصورهم. ولما دخل الامام الحمام كان فيه جندي، فأزال الامام عن موضعه، وأمره أن يصب الماء على رأسه، ففعل الامام ذلك، ودخل الحمام رجل كان يعرف الامام فصاح بالجندي هلكت، أتستخدم ابن بنت رسول الله صلى الله عليه وآله؟ فذعر الجندي، ووقع على الامام يقبل أقدامه، ويقول له متضرعا يا بن رسول الله! هلا عصيتني إذ أمرتك؟ فتبسم الامام في وجهه وقال له، برفق ولطف: إنها لمثوبة وما أردت أن أعصيك فيما أثاب عليه.

شبلیجی الشافعی، حسن بن مومن، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۴۱، المطبعة

المحمودية، سنة الطبع: ۱۳۱۳هـ. (با اندکی اختلاف)

ایشان [امام رضا علیه السلام] به حمام محتاج بود اما خوش نداشتند تا کسی برای ایشان حمامی را آماده کند، ایشان به حمام شهری رفتند که صاحب آن متوجه نشود ولی عهد به حمام بازار آمده است تا مشغول [خدمت] به او شود، حمام های ملوک و پادشاهان در قصر های آنان بود. هنگامی که امام وارد بر حمام شد، سربازی در آن حمام بود، او امام از مکان خودشان بلند کرد و به امام امر کرد که آب بر روی سر ایشان بریزد، امام نیز آب بر روی سر او ریخت، مردی [در آن هنگام] وارد حمام شد در حالی که امام را می شناخت، با صدای بلند به سرباز فریاد زد: [با این کارت] هلاک شدی، آیا فرزند دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به کار گرفته ای؟ سرباز ترسید و روی [پای] ایشان افتاد و پای حضرت را می بوسید و با حالت زاری و التماس عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، آیا گناه کردم که به شما امر کردم؟ امام به روی آن فرد تبسمی کردند و با حالت مدارا و

مهربانی فرمودند: امر تو، پاداش تو بود و در برابر این کارت قصد معصیت نداشتی [و معصیتی برگردن تو نیست].

عمل صالح

در روایتی نورانی، امام رضا علیه السلام صرف خویشاوندی خودشان به رسول خدا صلی الله علیه و آله را باعث برتری بر دیگران نمی دانستند بلکه عمل صالح را باعث برتری می دانستند که خود درس مهمی در زندگی بشری محسوب می شود چرا که برخی از افراد به سبب انتساب به فرد و یا جریان خاصی

حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الصُّؤْلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو ذَكْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ إِبْرَاهِيمَ بْنَ الْعَبَّاسِ يَقُولُ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا ع يَقُولُ حَلَفْتُ بِالْعَيْتِ إِلَّا أَغْتَفُ رَقَبَةً وَ أَعْتَفْتُ بَعْدَهَا جَمِيعَ مَا أَمْلِكُ إِنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ خَيْرٌ مِنْ هَذَا [وَأُومَى إِلَى عَبْدٍ أَسْوَدٍ مِنْ غِلْمَانِهِ] بِقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِلَّا أَنْ يَكُونَ لِي عَمَلٌ صَالِحٌ فَأَكُونَ أَفْضَلَ بِهِ مِنْهُ.

الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (المتوفى ٣٨١ق)، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٢٦٢، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ١٤٠٤ - ١٩٨٤م.

ابراهیم بن عباس می گوید: از علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که فرمود: من پیش از این با خدایم پیمان بسته‌ام که سوگند به شرافت و بزرگی قسم نخورم جز آنکه بنده ای آزاد کنم، اکنون همه غلامانم را آزاد کردم، اگر این طور فکر کند که من از این غلام - اشاره به یکی از غلامان سیاهش کرد - به جهت خویشاوندی به رسول خدا صلی الله علیه و آله برتر و بالاترم، [این چنین نیست] مگر آنکه عمل صالحی داشته باشم که بجهت آن عمل فضیلتی بر او یافته باشم [و صرف خویشاوندی به پیامبر باعث برتری نیست].

تقوا، شرط برتری

از جمله مهم ترین ترین ملاک هایی که در کلام امام رضا علیه السلام بیان شده است، تقوا است. آن حضرت در پاسخ به فردی که شرف نسب و پدران را بالا می دانست، تذکر داند که تقوا مهم ترین مقوله در نشان دادن جایگاه آدمی است چنان چه شیخ صدوق علیه الرحمه روایتی را بیان نموده است:

حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الصَّوْلِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ نَصْرِ الرَّازِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ قَالَ رَجُلٌ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللَّهِ مَا عَلَيَّ وَجْهِ الْأَرْضِ أَشْرَفُ مِنْكَ أَبَا فَقَالَ التَّقْوَى شَرَفَهُمْ وَطَاعَةُ اللَّهِ أَحْظَهُمْ فَقَالَ لَهُ آخِرُ أَنْتَ وَاللَّهِ خَيْرُ النَّاسِ فَقَالَ لَهُ لَا تَحْلِفْ يَا هَذَا خَيْرٌ مِنِّي مَنْ كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ تَعَالَى وَاطَّوَعَ لَهُ وَاللَّهِ مَا نُسِخَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَجَعَلْنَاكُمْ سُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِيَتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ.

الصدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (المتوفی ۳۸۱ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۱، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الشیخ حسین الأعلمی، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴م.

موسی بن نصر می گوید: مردی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: به خدا سوگند بر روی زمین از جهت پدر، کسی از شما شریف تر نیست، [آن حضرت در پاسخ] فرمود: تقوی، این شرف را به آنان داد و نیز اطاعت خداوند ایشان را بدان [ویژگی و شرافت] بهره مندگرداند، فرد دیگری عرض کرد: به خدا سوگند تو بهترین مردم هستی، حضرت فرمود: ای مرد سوگند نخور، از من بهتر کسیست که تقوایش نسبت به خداوند متعال بیشتر است و اطاعتش افزونتر، به خدا قسم این آیه منسوخ نشده است که خداوند فرموده است: وَ جَعَلْنَاكُمْ سُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِيَتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ؛ ما شما را قبائل مختلف قرار دادیم تا شناخته شوید به آن نامها، لکن گرامیترین شما نزد خداوند، متقی ترین و پرهیزکارترین شما است (یعنی اعتماد بر نسبت قربابت و خویشی کار درستی نیست و کمال و شرف بر علم است و عمل که در رأس آن تقوی است).

نتیجه:

بررسی سیره رفتاری و آموزه های اخلاقی در زندگی نامه امام رضا علیه السلام در این نوشته به نحو مختصر اشاره شد که ان شاء الله راهگشای همگان خواهد بود.

موفق باشید

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف